ایران

■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۷۸۷۹ ■ چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۱
۴ رمضان ۱۴۴۳ ■ 6 April 2022 ■ Wednesday

سیاسی

تأملی در مفهوم «دولت‌ستیزی» و عوامل مؤثر بر آن

دولت در ایران؛ از ساخت تا برساخت

دولت به شکل امروزی آن یکی از ارکان اصلی سیاست مدرن است و بواسطه جایگاه مهمی که در تعیین مناسبات در سطوح مختلف دارد، همواره جزو موضوعات بحث‌برانگیز بوده است. در فهم فرایندهای مرتبط با دولت، هم توجه به ماهیت ساخت دولت اهمیت پیدا می‌کند و هم برساخته‌هایی که بتدریج از آن برای بخش‌های مختلف جامعه شکل می‌گیرد.

۶

گزارش بانک جهانی از شوک های اقتصادی جنگ روسیه و اوکراین

افزایش قیمت نفت ادامه دارد

جنگ در اوکراین نمی‌توانست برای اقتصاد جهانی در زمانی بدتر از این رخ دهد؛ زمانی که بهبودی پس از رکود ناشی از همه‌گیری [کرونا] به سوی تزلزل پیش می‌رفت، تورم در حال افزایش بود، بانک‌های مرکزی بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، خود را برای افزایش نرخ بهره آماده می‌کردند و بازارهای مالی حول مجموعه عظیمی از عدم قطعیت‌ها سرگردان بودند...

۶

سناریوسازی از ادلب تا بوچا؟

مسکو غرب را متهم کرد همانند صحنه سازی کلاه سفیدها در سوریه در حال تخریب وجهه روسیه است

تاریخ در حال تکرار شدن است. این چیزی است که می‌توان از فحوای سخنان «سرگئی لاوروف»، وزیر خارجه روسیه درباره وقایع بوچا که باعث دور جدید تحریم‌ها علیه مسکو شده است، دریافت. او آنچه را در بوچا رخ داد شبیه اقداماتی توصیف کرد که در یک دهه گذشته بارها توسط «کلاه سفیدها» در سوریه رخ داد و غرب بواسطه آنها روسیه را متهم کرد که مرتکب نقض حقوق بشر شده است. این در حالی است که حتی پنتاگون نیز اذعان داشته نمی‌تواند نقش روسیه در وقایع بوچا را تأیید یا تکذیب کند و این امر نیازمند بررسی‌های بیشتر است

صفحه ۴ را بخوانید

Reuters

چرا نمی‌توان با مسائل فراملی همانند مسائل داخلی مواجه شد؟

خطاهای رایج در تحلیل مسائل بین‌الملل

ایلیا داوودی
روزنامه نگار

یکی از مسائل قابل مشاهده و نقد در تحلیل مسائل بین‌الملل، شیوه مواجهه با مسائل این عرصه و چهارچوب‌های ارائه تحلیل است. عمدتاً کسانی که در جایگاه سیاست‌ورزی نبوده‌اند یا مطالعات عمیقی در این حوزه نداشته‌اند، در ارائه تحلیل گرفتار اشکالاتی می‌شوند که سبب می‌شود در مجموع تحلیل‌های آنها تک بعدی، غیرواقع‌گرایانه، غیرعمیق و گاه حتی اغراق‌آمیز به نظر برسد. به نظر می‌رسد این دسته از تحلیل‌ها مبتنی بر ذهنیت‌ها و پیشفرض‌هایی است که در اذهان جامعه و برخی نخبگان رسانه‌ای وجود دارد و به عنوان منبع ارائه تحلیل مورد استفاده و مورد رجوع قرار می‌گیرد. در یادداشت حاضر برخی از این پیشفرض‌ها متعین شده و مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت. اولین پیش فرض ارائه تحلیل آن است که عرصه روابط بین‌الملل عرصه صلح و آشتی است و کشورها همواره باید در صلح و آشتی بکوشند. پشتوانه علمی و تاریخی این پیشفرض البته به یکی از مناظره‌های بزرگ عرصه بین‌الملل که میان ایدئالیست‌ها و رئالیست‌ها روی داد، مرتبط است. اولین موج برجسته در نظریه‌های روابط بین‌الملل نگاهی خوشبینانه به ماهیت این روابط داشت اما به‌تدریج با وقوع رویدادهای تاریخی بویژه جنگ جهانی دوم این نظریه‌ها کمرنگ شدند و نظریات واقع‌گرایانه جای آنها را گرفتند. این دسته از نظریات، نگاهی بدبینانه به عرصه روابط بین‌الملل داشتند و سرشت این روابط را به واسطه علل مختلف از جمله توزیع نامتوازن منابع طبیعی میان کشورها، توزیع قدرت و اقتدار نامتوازن میان کشورها و فقدان قدرت متمرکز و ناظر در این عرصه، تعارض‌آمیز می‌دانستند. با وجود مطرح شدن رویکردهای جدید به ماهیت روابط بین‌الملل، به نظر می‌رسد هنوز هم این علت‌ها باقی مانده‌اند و منشأ تعارض میان کشورها محسوب می‌شوند.

اگر فرهنگ سیاسی در سطح داخلی شامل ایستارها و نوع نگرش‌های انسان‌ها نسبت به نظام سیاسی حاکم است، در سطح بین‌المللی بازیگران فرهنگ سیاسی به گونه‌ای متنوع می‌شوند. آنچه که در عرصه بین‌الملل با آن مواجه می‌باشیم، دو مفهوم حاکمیت و آنارشی در بعد ماهوی و وجود طیف وسیعی از بازیگران رسمی و غیررسمی به لحاظ ساختاری است که هریک قصد دارند تا نوع نگرش و ایستارها، یا به‌طور کلی فرهنگ سیاسی بین‌المللی خاصی را در قبال ساختار نظام ارائه دهند. به‌طور کلی فرهنگ سیاسی یک امر ایستا نمی‌باشد و با توجه به دگرگونی‌هایی که در محتوای آن، یعنی باورها، ایستارها و ارزش‌ها حادث می‌شود، دستخوش تغییر نمی‌شود. به همین دلیل فرهنگ سیاسی در سطح بین‌المللی خود گونه‌های مختلفی می‌گیرد. ما در سطح بین‌المللی هم شاهد جامعه‌پذیری سیاسی هستیم که براساس نوع بازیگر، هنجارها و ایستارهای خاصی را وارد عرصه بین‌المللی می‌کند. بنابراین با توجه به نوع بازیگران و انواع نگرش‌ها، ما شاهد فرهنگ سیاسی بین‌المللی هستیم که از سطح بازیگر شروع شده به سطح نظام می‌رسد و مجدداً سطوح درونی بازیگر را از آن خود می‌کند. به عنوان مثال مفهوم جامعه مدنی جهانی که امروزه بشدت رواج یافته است، محصول نگرش‌های سیستمی و سپس فراسیستمی است. یعنی نگرش‌ها در سطح درونی بازیگر سطوح درونی را وارد سیستم کرده و نوعی چرخه فراملی را پدیدار می‌کند.

آنتونیو کاسسه، حقوقدان برجسته ایتالیایی، عقیده دارد که حقوق بین‌المللی که بعد از جنگ جهانی اول بویژه بعد از جنگ جهانی دوم پیدا شد و گسترش یافت، مجموعه‌ای از قواعد بازی در جهان نامتحد است. او عقیده دارد که اغلب بازیگران این جهان سعی می‌کنند تا حقوق بین‌الملل را با منافع خود وفق دهند یا آن را مطابق با منافع خود تعبیر یا تفسیر کنند. مسلماً تعبیر «کاسسه» از بیان خود تعبیری کاملاً واقع گرایانه از وجود حقوقی در نظام هرج و مرج بین‌المللی است. اما امروزه با وجود منافع گوناگون که در سطح نظام بین‌الملل پراکنده شده‌اند، همگان به وجود نوعی قواعد و هنجار رفتاری در روابط بین‌الملل اذعان دارند. قواعد و هنجارهایی که تلاش آن ایجاد حداقل هماهنگی و همزیستی است. هنجارهای حقوق بین‌الملل به عنوان حقوق و مجموعه قواعد حاکم بر دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد سعی در نوعی هماهنگی ایستاری دارند که در اثر گسترش ارتباطات بین‌المللی و بالا رفتن حجم تعاملات میان دولتی و غیر دولتی پدید آمده است. حقوق بین‌الملل سعی می‌کند مجرایی را برای عمل روابط بین‌الملل فراهم آورد تا این روابط که طیف وسیعی از ارتباطات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرند، بتوانند به نحوی آرام و مسالمت‌آمیز جریان خود را طی کنند. به عنوان مثال بحث حقوق بشر امروزه از جمله بحث‌هایی است که مرتباً به آن برمی‌خوریم. شدت این هنجار به گونه‌ای است که بازیگران عرصه بین‌المللی سعی می‌کنند به هر شکل ممکن رفتار خود را بر مبنای قواعد آن قرار داده یا به گونه‌ای عمل خود را بر مبنای آن تفسیر کرده یا مورد توجه قرار دهند. مفهوم حقوق بشر یک مفهوم جهانی است و اغلب بازیگران سعی می‌کنند از مفاهیم وابسته به آن یعنی جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی، شکنجه و تبعیض نژادی که هنجارهای مذموم در جهان شناخته شده‌اند، دوری کنند. بنابراین حقوق بین‌الملل و هنجارهای مربوط به آن، شکل دهنده رفتار انسانی در حالت عام می‌باشد. اما امروزه عقیده بر این است که حاکمیت سنتی و تطبیق قواعد حقوق بین‌الملل با قوانین داخلی تا حدودی متحول شده و گسترش مفاهیمی چون ارزش‌های مشترک عملاً سطح حاکمیت را پایین آورده و در عین حال باعث فشار نسبی قواعد حقوق بین‌الملل بر قوانین داخلی شده است، به گونه‌ای که اغلب سیاستگذاران خارجی خود را ناگزیر می‌بینند هنجارهایی را که به گونه‌ای در سطح بین‌المللی یکسان‌سازی ایستاری کرده‌اند، در رفتار خود دخیل دارند. علاوه بر مسأله ارزش‌ها، قواعد مربوط به محیط زیست بین‌المللی مورد دیگر می‌باشد. با این حال در چنین شرایطی وقوع جنگ هنوز هم امری طبیعی به شمار می‌رود؛ طبیعی بودن جنگ به معنای درست بودن یا تأیید ماهیت ستیزه‌جویی نیست؛ بلکه به این معنا است که هنوز علل طبیعی که منجر به ایجاد تعارض میان کشورها و وقوع جنگ می‌شوند، بر جای خود باقی هستند و اتفاق جدیدی در این عرصه نیفتاده که بر مبنای آن بتوان پایان جنگ را برای همیشه اعلام کرد. پیشفرض دوم یگانه پنداری شیوه تحلیل مسائل ملی با مسائل بین‌المللی است؛ عموم جامعه عمدتاً همان‌گونه که مسائل داخلی را درک و تحلیل می‌کنند، با مسائل عرصه بین‌الملل مواجه می‌شوند، اما چنین مواجهه‌ای درست نیست؛ زیرا ماهیت مسائل این دو حوزه به واسطه تفاوت‌های اساسی ویژگی‌های محیطی شان با یکدیگر کاملاً متفاوت است و نمی‌توان با یک زاویه نگاه و بر اساس یک مجموعه معیار ثابت آنها را تحلیل کرد. اساساً مؤلفه‌های امنیت بین‌المللی متفاوت است و اگرچه هر دو مسأله‌ای سیاسی و امنیتی محسوب می‌شوند، اما یکسان نیستند. برای نمونه در تحلیل مسائل داخلی و ملی کشورها، شاخصه‌هایی نظیر فرهنگ و اخلاق اهمیت پیدا می‌کند، در حالی که در سطح بین‌الملل اخلاق تعریف مشخصی ندارد و نمی‌توان از معیارهای اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی که در جامعه‌ای معین، بین اعضای آن جامعه مورد توافق است، در عرصه بین‌الملل استفاده نمود.[۱]

پیشفرض سوم، مواجهه ارزشگذارانه با مسائل عرصه بین‌الملل و رویدادهای جاری میان کشورهاست. اگرچه گفتمان انقلاب اسلامی در سیاست خارجی بر مبنای ارزش‌های معین که مبتنی بر آموزه‌های اسلام هستند، شکل گرفته است اما تجربه عملی جمهوری اسلامی در سیاست خارجی نشان می‌دهد که هیچ‌گاه تصمیمات سیاست خارجی بر مبنای مطلق‌گرایی ارزشی گرفته نشده اند؛ اگرچه انقلاب اسلامی از همان بدو جریان مبارزات خود تکلیفش را مبتنی بر آموزه‌های اسلامی با صورتبندی بین‌المللی و مسائل این عرصه مشخص کرده، اما هیچ گاه در طول بیش از چهاردهه از حیات سیاسی‌اش راه گفت‌وگو را با هیچ کشوری مسدود نکرده، بلکه سازوکارهایی عقلانی برای برقراری ارتباط با آنها طراحی کرده که این سازوکارها البته کمتر مورد پرداخت رسانه‌ای نخبگان جریان‌های سیاسی ناهمسو قرار گرفته‌اند. با وجود این برخلاف تصویر رسانه‌ای که توسط جریان‌های رسانه‌ای ناهمسو از تصمیمات سیاست خارجی ایران نشان داده می‌شود، مواجهه جمهوری اسلامی با سایر کشورها هیچ‌گاه مطلق انگارانه نبوده است؛ به این معنا که باب تغییر رفتار و تغییر شیوه ارتباط با آنها را مسدود نماید. این در حالی است که برخی جریان‌های سیاسی داخلی در تحلیل‌های رسانه‌ای خود کاملاً برعکس این رویه عمل می‌کنند و بدون توجه به تغییرات محیط پویای بین‌الملل، همواره تصویری ثابت از کشورها ارائه می‌دهند. به نظر می‌رسد این سه پیشفرض در کنار هم سبب شده‌اند تا هم بخشی از رسانه‌ها و به تبع آن برخی نخبگان و بخش‌هایی از جامعه از ماهیت روابط بین‌الملل درک درستی نداشته باشند و در تحلیل و درک مسائل آن دچار اشتباهاتی شوند.

[۱]. مقایسه دو سطح تحلیل داخلی و بین‌المللی، کابک خبیری، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۷.

> عموم جامعه عمدتاً همانگونه که مسائل داخلی را درک و تحلیل می کنند، با مسائل عرصه بین الملل مواجه می شوند، اما چنین مواجهه ای درست نیست؛ زیرا ماهیت مسائل این دو حوزه به واسطه تفاوت های اساسی ویژگی های محیطی شان با یکدیگر کاملاً متفاوت است و نمی توان با یک زاویه نگاه و بر اساس یک مجموعه معیار ثابت آنها را تحلیل کرد. اساساً مؤلفه های امنیت بین المللی متفاوت است و اگرچه هر دو مسئله ای سیاسی و امنیتی محسوب می شوند، اما یکسان نیستند

آگهی مزایده عمومی

جایگاه cng شهرداری شهمیرزاد

به استناد مجوز شماره ۷۴۵/۲/۱۵-۱۴۰۰/۱۲/۲۵ شورای محترم اسلامی شهر شهمیرزاد، این شهرداری در نظر دارد جایگاه cng شهرداری شهمیرزاد را به‌شرح مذکور و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) با شماره مزایده ۵۰۰۵۹۰۴۸۰۰۰۰۰۱ به صورت الکترونیکی به اجاره برساند.

- زمان انتشار در سایت ۱۴۰۱/۰۱/۱۵ ساعت ۰۸:۰۰
- مهلت دریافت اسناد ۱۴۰۱/۰۱/۱۶ ساعت ۱۴:۰۰
- آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت ۱۴۰۱/۰۱/۲۷ ساعت ۱۴:۰۰
- مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه: ۱۴۵۶

شعیب رضایی
شهردار شهر نمونه گردشگری بین‌المللی شهمیرزاد